

The Paradox of Faith and Politics: An Inquiry into the Discursive Challenges of the Jangal Movement's Islamism in the Context of Its Alliance with Leftist Forces (Centered on the Thought and Leadership of Mirza Kuchak Khan)

Zahra Ghasemi¹

The Jangal Movement, led by Mirza Kuchak Khan Jangali (1914–1921 CE), is one of the most complex episodes in modern Iranian history, taking shape at the intersection of faith-based ideals and the pragmatic exigencies of political expediency. The present study aims to analyze the intra-discursive challenges of Islamism within the Jangal Movement, interrogating how a crisis of meaning and a rupture in the chain of equivalence emerged in the wake of the alliance with leftist forces (the Bolsheviks). The theoretical framework of this study is the post-structuralist discourse analysis of Ernesto Laclau and Chantal Mouffe, and the research method is critical discourse analysis based on the examination of books, research articles, and periodical documents and sources of the era, particularly the text of the *Jangal* newspaper and the memoirs of the movement's associates. The findings indicate that the movement's Islamist discourse during the first period (1914–1920 CE) was coherent around the central signifier of "national independence under the shadow of Islamic Sharia"; however, in the second period (1920–1921 CE), the attempt to articulate the signifiers of leftist republicanism with traditional and national teachings led to a semantic crisis and processes of internal othering, owing to an essential contradiction with radical materialism. This study demonstrates how the inability to resolve the paradox between fidelity to religious principles and the imperatives of alliance with heterodox forces accelerated the discursive decline of this movement.

▪ **Keywords:**

Iran, Qajar, Jangal Movement, Mirza Kuchak Khan, paradox, faith, politics, Islamism, leftist forces, Bolsheviks.

¹ Ph.D. in History and Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran zahraghasemi1999@mail.ir



پارادوکس ایمان و سیاست: واکاوی چالش‌های گفتمان اسلام‌گرایی نهضت جنگل در مواجهه ائتلاف با نیروهای چپ (با محوریت اندیشه و رهبری میرزا کوچک خان)

زهرا قاسمی^۱

چکیده

نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی (۱۳۰۰-۱۲۹۳ ش.)، یکی از پیچیده‌ترین فصول تاریخ معاصر ایران است که در تلاقی میان آرمان‌های ایمانی و ضرورت‌های مصلحت‌جویانه سیاسی شکل گرفت. پژوهش حاضر با هدف تحلیل چالش‌های درون‌گفتمانی اسلام‌گرایی در نهضت جنگل و با پرسش از چگونگی بروز بحران معنا و گسست زنجیره هم‌ارزی در پی ائتلاف با نیروهای چپ (بلشویک‌ها) انجام شده است. چارچوب نظری این پژوهش، تحلیل گفتمان پساساختارگرایی ارنستو لاکلا و شانتال موفه است و روش تحقیق آن تحلیل گفتمان انتقادی مبتنی بر واکاوی کتاب‌ها، مقالات پژوهشی و اسناد و منابع مطبوعاتی عصر به‌ویژه متن روزنامه جنگل و خاطرات یاران نهضت است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان اسلام‌گرایی نهضت در دوره نخست (۱۲۹۹-۱۲۹۳ ش.) با دال مرکزی «استقلال ملی در سایه شریعت اسلام» منسجم بود؛ اما در دوره دوم (۱۳۰۰-۱۲۹۹ ش.)، تلاش برای مفصل‌بندی دال‌های جمهوریت چپ با آموزه‌های سنتی و ملی به دلیل تناقض ماهیتی با ماتریالیسم رادیکال به بحران معنایی و غیریت‌سازی‌های درونی انجامید. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه ناتوانی در حل پارادوکس میان وفاداری به اصول مذهبی و مقتضیات ائتلاف با نیروهای ناهمسو، زوال گفتمانی این جنبش را شتاب بخشید.

واژگان کلیدی:

ایران، قاجار، نهضت جنگل، میرزا کوچک خان، پارادوکس، ایمان، سیاست، اسلام‌گرایی، نیروهای چپ،

بلشویک



مقدمه

گسترش زمینه‌های اعتراضی و جنبش‌های دهقانی در گیلان عصر مشروطه و مبارزات آنان علیه نظام ارباب‌رعیتی، بستر اجتماعی ویژه را در این خطه فراهم آورد. پیش از شکل‌گیری نهضت جنگل، دهقان‌های گیلان با ایجاد انجمن‌های روستایی و بهره‌گیری از حمایت احزاب سیاسی و دموکرات‌های محلی، چالش‌های جدی با مالکان و نظام مالکیتی وقت ایجاد کرده بودند. این جنبش‌ها بستر اجتماعی لازم را برای ظهور جنبش‌ها و مقاومت‌های بعدی در این خطه از جمله نهضت جنگل فراهم ساخت (اسماعیل‌زاده و علی‌صوفی، ۱۳۹۵: ۱۹۵).

در میان جنبش‌های اعتراضی و تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران، خیزش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی (۱۳۰۰-۱۲۹۴ ش.) یکی از پیچیده‌ترین و پرچالش‌ترین فصول تاریخ سیاسی کشور محسوب می‌شود. این جنبش نه تنها از منظر مبارزه مسلحانه علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی حائز اهمیت است، بلکه از لحاظ فکری و نظری، نمادی برجسته از تقاطع و پارادوکس‌های بنیادین میان ایمان مذهبی و سیاست مدرن در بستر یک خیزش ملی به شمار می‌آید (شاگری، ۱۴۰۲: ۸۲). جنبش جنگل طی مدت ۷ سال از ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۰ ش. در گیلان دوران بسیار رنج‌آوری را سپری کرد، چرا که هم از سوی دولت داخلی و هم از سوی مهاجمان خارجی در محاصره و تنگنا قرار گرفته بود (باغستانی، ۱۳۸۱: ۲۱).

در تبیین بستر پیدایش این جنبش، برخی پژوهشگران بر این باورند که ساختار اجتماعی ایران در دوران استعمارزده دو جریان متضاد را پدید آورد. از یک سو جریان اصلاح‌طلبانه با پایگاه طبقات مرفه و از سوی دیگر جریان انقلابی برخاسته از توده‌های محروم و استثمارشونده. نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان در این بستر تاریخی تلاش کرد تا عوامل مذهبی و ملی را در راستای مطالبات توده‌های محروم متبلور سازد (رواسانی، ۱۳۸۴: ۱۸۷). بینش سیاسی و مبانی فکری حاکم بر نهضت جنگل بر چند مؤلفه بنیادین استوار بود: نخست، عدالت اجتماعی که با رویکردی ضد استعماری و ضد استبدادی، بر توزیع عادلانه ثروت، کوتاه کردن دست بیگانگان و دفاع از حقوق طبقات فرودست تأکید داشت، بدون اینکه به دام افراط‌گری‌های کمونیستی بیفتد. دوم، آزادی‌خواهی و قانون‌گرایی که از تلفیق آموزه‌های مدرن مشروطه‌خواهی با اندیشه مذهبی سرچشمه می‌گرفت و استبدادستیزی را رکن اصلی حکمرانی می‌شمرد. سوم، عقاید مذهبی که دین را نیروی پیشبرنده برای آگاهی،

مقاومت و عدالت‌طلبی می‌دانست و آن را از هرگونه خرافه پیراسته می‌کرد (نعیمی و غفاری، ۱۳۹۲: ۱۱۴-۱۲۲).

ضرورت این پژوهش در نیاز مبرم به واکاوی پویایی‌های معرفت‌شناختی و تحولات گفتمانی در جنبش‌های اجتماعی تاریخی نهفته است. در عصر کنونی که بحران‌های هویت و چالش‌های ائتلاف‌های سیاسی^۱ به یکی از مباحث محوری در علوم سیاسی تبدیل شده است، بازخوانی تجربه نهضت جنگل از منظر تحلیل گفتمان، نه تنها یک خلأ نظری مهم را پوشش می‌دهد، بلکه الگویی برای تبیین چگونگی مواجهه جنبش‌های ایدئولوژیک با بن‌بست‌های ژئوپلیتیک فراهم می‌سازد. این پژوهش با هدف واکاوی چالش‌های ساختاری و محتوایی گفتمان اسلام‌گرایی نهضت جنگل در مواجهه با ائتلاف با نیروهای چپ سامان یافته است. هدف اصلی مقاله، تبیین چگونگی بروز بحران معنا و زوال هژمونی این جنبش از منظر نظریه تحلیل گفتمان ارنستو لاکلا^۲ و شانتال موفه^۳ است. بر همین اساس، پرسش‌ها و فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین شده‌اند: گفتمان اسلام‌گرایی نهضت جنگل در مواجهه با ائتلاف با نیروهای چپ، با چه چالش‌ها و پارادوکس‌های گفتمانی مواجه شد و این روند چگونه به گسست زنجیره‌ی هم‌ارزی^۴ و زوال جنبش انجامید؟ ی فرعی: دال‌های مرکزی و زنجیره هم‌ارزی گفتمان نهضت جنگل در مرحله نخست تکوین خود چه ویژگی‌هایی داشتند؟ رودررویی اندیشه دینی نهضت و ایدئولوژی ماتریالیستی بلشویک‌ها چه بحران معنایی^۵ را ایجاد کرد؟ و فرضیه پژوهش حاضر آن است که ائتلاف نهضت جنگل با نیروهای چپ به دلیل تضاد بنیادین میان دال مرکزی استقلال در سایه شریعت و ایدئولوژی ماتریالیستی بلشویک‌ها موجب گسست در زنجیره هم‌ارزی، تشدید غیریت‌سازی درونی و در نهایت فروپاشی هژمونیک نهضت گردید.

پیشینه پژوهش

بررسی و واکاوی جنبش جنگل به عنوان یکی از نقاط عطف و بحرانی تاریخ معاصر ایران تاکنون توجه طیف وسیعی از مورخان، جامعه‌شناسان و پژوهشگران علوم سیاسی را به خود معطوف داشته است. با گذشت بیش از یک قرن از این رویداد، جریان‌های فکری و پژوهشی

^۱. Political coalitions

^۲. Ernesto Laclau

^۳. Chantal Mouffe

^۴. Chain of equivalence

^۵. Crisis of meaning

مختلف کوشیده‌اند تا ابعاد گوناگون این جنبش را از زوایای سیاسی، نظامی، ایدئولوژیک و بین‌المللی بازخوانی کنند. با نگاهی کلان به ادبیات و پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه می‌توان دریافت که مطالعات موجود سیر تکاملی قابل‌توجهی را پشت سر گذاشته‌اند؛ از روایت‌های توصیفی و خاطره‌محور اولیه گرفته تا تحلیل‌های ساختاری، ژئوپلیتیک و کلان‌نگر در دهه‌های اخیر. بر این اساس، برای درک بهتر جایگاه پژوهش حاضر در بستر مطالعات پیشین باید ادبیات موجود پیرامون نهضت جنگل را در سه جریان اصلی به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

الف) رویکردهای ژئوپلیتیک و مناسبات با قدرت‌های خارجی: بخش قابل‌توجهی از مطالعات به تأثیر متغیرهای خارجی بر نهضت جنگل اختصاص دارد. مجید استوار و زهرا ملکی آدرانی (۱۴۰۴) در مقاله "تأثیر روسیه در کنشگری سیاسی ایرانیان" و همچنین علی‌اصغر رجبی و علیرضا اکبری (۱۴۰۴) در پژوهش خود با عنوان: "بازتاب اقدامات نظامی و دیپلماتیک روسیه در ایران از منظر روزنامه جنگل" با واکاوی تغییر رویکرد روسیه از تزاریسیم به بلشویسم نشان می‌دهند که چگونه منافع منطقه‌ای مسکو بر آرمان‌های جنبش سایه افکند. عباس پناهی و امیر مهرنیا (۱۳۹۶) نیز در جستار "جنبش جنگل در پرتو کشمکش قدرت‌های بزرگ"، این تنش را در بافت رقابت‌های بین‌المللی تحلیل کرده و بر ماهیت ضد استعماری نهضت تأکید می‌کنند. همچنین شاپور رواسانی (۱۳۸۴) در کتاب خود با عنوان *اولین جمهوری شورائی در ایران (نهضت جنگل)* به تحلیل بیانیه‌های هیئت اتحاد اسلام و مکاتبات میرزا با سران شوروی پرداخته است. عبدالله متولی (۱۳۹۰) در مقاله "رویکردها و نگرش‌های اساسی در روزنامه جنگل" به بررسی رویکردهای نهضت جنگل پرداخته است. بهنام رضائی‌نژاد و هادی میرزائزاد (۱۳۹۵) در کتاب *روزنامه جنگل*، محتویات روزنامه جنگل را نگاشته‌اند.

ب) تضادهای ایدئولوژیک و چالش‌های حکمرانی: جریان دوم به واکاوی تعارض میان ماهیت دینی نهضت و ایدئولوژی ماتریالیستی بلشویک‌ها می‌پردازد. علی باغدار دلگشا (۱۴۰۴) در پژوهش "نهضت جنگل و ایده شکل‌گیری حکمرانی اسلامی"، تلاش میرزا برای برپایی الگوی حکمرانی اسلامی- ملی را برجسته کرده و مصطفی شجاعیان (۱۳۴۹) در کتاب *شوروی و نهضت انقلابی جنگل* با رویکردی انتقادی، چگونگی تعارضات ناشی از برخورد منافع بلشویسم با آرمان‌های سنتی را تبیین می‌کند. کامبیز کلانتری و همکاران (۱۴۰۴) نیز در مقاله "گسست جنگل و بلشویک‌ها: تقابل ایدئولوژی و عمل‌گرایی"، فروپاشی پایگاه

مردمی نهضت را نتیجه گریزناپذیر این ناسازگاری می‌دانند. احمد کسمایی (۱۳۷۴) در کتاب *خاطرات احمد کسمایی* به ثبت وقایع مهم از جمله تشکیل نهضت و فراز و نشیب‌های آن پرداخته است.

ج) پویایی‌های درونی، کنشگران و بسترهای اجتماعی: در این دسته، مجتبی قرشی و همکاران (۱۴۰۳) با مقاله "تحلیل ژئوپلیتیک نهضت مقاومت جنگل و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران"، ابعاد امنیتی و ژئوپلیتیک جنبش را در میان بحران‌های ملی بررسی کرده و عباس پناهی (۱۴۰۱) در اثر "تحلیل و نقد رویکردهای ملی‌گرایی و تجزیه‌طلبی در نهضت جنگل" با رد اتهامات ناروا بر هویت ملی گرایانه جنگلی‌ها تأکید دارد. جعفر آقازاده (۱۴۰۱) نیز در مقاله "جنبش دهقانان ماکو در انقلاب مشروطه" با واکاوی اعتراضات دهقانی، بستری برای درک پیوند مطالبات طبقاتی با جنبش فراهم می‌کند. افزون بر این، گریگور یقیکیان (۱۳۶۳) در اثر "شوروی و جنبش جنگل" به عنوان ناظری نزدیک، زوایای پنهان عوامل درونی و نقش گروه‌های رادیکال را در تضعیف انسجام جنبش ترسیم کرده است. همچنین ابراهیم فخرایی (۱۳۵۴) در کتاب *سردار جنگل و بحرالعلوم قزوینی* (۱۴۰۱) در کتاب *تاریخچه میرزا کوچک خان، روایتی نو و متفاوت از قیام جنگل* به ثبت وقایع نهضت و رویکردهای میرزا کوچک خان پرداخته‌اند.

با این حال، علی‌رغم غنی بودن پژوهش‌های فوق در تبیین ابعاد تاریخی، ژئوپلیتیک و کنشگری، خلأ یک تحلیل گفتمانی پساساختارگرایانه^۱ که بتواند فرایند دقیق تغییر زنجیره‌های هم‌ارزی و دگرگونی دال‌های برتر را در گذر از اسلام‌گرایی و سنت‌گرایی به ائتلاف با چپ تبیین کند، کماکان احساس می‌شود. پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه لاکلا و موفه می‌کوشد تا این گسست‌های معنایی را به مثابه کانون اصلی زوال جنبش جنگل بازخوانی کند.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

مؤلفه‌ها و مفاهیم نظریه لاکلا و موفه

برای درک پارادوکس ایمان و سیاست در اندیشه جنبش، فقط شناخت مفاهیم سوسیالیسم یا اسلام‌گرایی کافی نیست، بلکه نیاز به چارچوبی است تا نشان دهد که چگونه این مفاهیم در یک فضای گفتمانی مفصل‌بندی شده‌اند. نظریه لاکلا و موفه با تأکید بر مفاهیمی چون مفصل‌بندی و هژمونی، سیاست را فرایند مستمر تثبیت موقتی معانی در یک

^۱. Post-structuralist

فضای رقابتی می‌بیند (لاکلا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). بر این اساس، گفتمان جنبش جنگل تلاشی برای ایجاد زنجیره هم‌ارزی میان دال‌های مذهبی و مطالبات مدرن سیاسی بود که در مواجهه با ضدیت‌های میان اسلام‌گرایی و سوسیالیسم دچار تزلزل و پارادوکس گردید.

دال مرکزی^۱: گره‌گاهی است که سایر نشانه‌ها حول آن جمع شده و معنای خود را از آن می‌گیرند (کسرای و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۴). در گفتمان نهضت جنگل، «اسلام‌گرایی عدالت‌خواهانه» به عنوان دال مرکزی عمل می‌کرد که سایر مفاهیم نظیر استقلال، آزادی و نبرد با استعمار، تنها در پیوند با این نقطه ثقل، معنای «جنگلی» پیدا می‌کردند.

دال شناور^۲ نشانه‌هایی هستند که معنای قطعی و ثابتی ندارند و گفتمان‌های رقیب برای تصاحب و معنابخشی به آنها در تکاپو هستند (کسرای و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۴). در نهضت جنگل، مفاهیمی چون «آزادی» و «عدالت» دال‌های شناوری بودند که هم توسط جریان اسلام‌گرایانه و هم توسط جریان سوسیالیست- بلشویک مورد منازعه بودند تا هر یک نظر خود را بر آنها تحمیل کنند.

مفصل‌بندی^۳: فرایندی است که طی آن میان عناصر پراکنده و متفاوت پیوندی برقرار می‌شود تا یک هویت گفتمانی جدید ساخته شود (لاکلا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰). جایی که میرزا تلاش می‌کرد میان «شریعت مذهبی» و «جمهوری‌خواهی مدرن» یک زنجیره هم‌ارزی ایجاد کند تا میان سنت و مدرنیته پلی بزند.

غیریت‌سازی و خصومت (ضدیت)^۴: در این نظریه، هر گفتمان از طریق تعریف یک «دیگری» یا دشمن (غیریت‌سازی) به خود شکل می‌دهد (کسرای و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۳-۳۴۷). گفتمان نهضت جنگل هویت خود را از طریق خصومت با «استعمار بریتانیا» و «استبداد مرکزی» تعریف می‌کرد؛ اما بعدها با ورود اندیشه‌های الحادی، این خصومت به درون خود نهضت نیز سرایت کرد و مرزهای هویت جنگل را دچار چالش ساخت.

هژمونی و برجستگی گفتمانی^۵: هژمونی زمانی رخ می‌دهد که یک گفتمان موفق می‌شود معنای مدنظر خود را به عنوان «تنها حقیقت موجود» در جامعه تثبیت کند و به برجستگی برسد (کسرای و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۱ و ۳۵۰). نهضت جنگل در پی آن بود که با عبور از

^۱. Nodal Point

^۲. Floating Signifier

^۳. Articulation

^۴. Othering and Antagonism

^۵. Hegemony and Discursive Saliency

بحران‌های دوران قاجار، گفتمان اسلام‌گرایی ملی را هژمونیک کند، اما در رقابت با هژمونی در حال ظهور «ناسیونالیسم اقتدارگرا» و «مارکسیسم نفوذی» با بن‌بست مواجه شد.

مطالعات و مقالات

تحلیل گفتمانی و واکاوی یافته‌های پژوهش

در تحلیل گفتمان پساساختارگرا هر گفتمان برای تثبیت معنا و کسب هژمونی نیازمند سازماندهی مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا دال‌هاست که در اطراف یک دال مرکزی معنا پیدا می‌کنند. گفتمان اسلام‌گرایی نهضت جنگل در دوره نخست حیات خود (از تأسیس هیئت اتحاد اسلام تا پیش از ائتلاف با بلشویک‌ها) حول چند دال محوری و پیوندی سامان یافته بود که بخش اصلی هویت و کنش سیاسی میرزا کوچک خان و یارانش را تشکیل می‌دادند.

خاستگاه تاریخی و تکوین شخصیت میرزا به عنوان رهبر جنبش (عصر مشروطه)

خاستگاه کنشگری سیاسی میرزا کوچک خان (۱۲۸۶ ش.) را باید در بستر تحولات ساختاری عصر مشروطه و بحران‌های ناشی از ساختار سنتی قدرت و مداخلات خارجی جستجو کرد. وی در این دوران، هم‌زمان با تحصیل در حوزه‌های علمیه (مدارس صالحیه رشت و جامع عباسی تهران) به صفوف مشروطه‌خواهان پیوست. تکوین شخصیت سیاسی میرزا محصول درک تناقضات ساختاری جامعه ایران از جمله نابرابری‌های برخاسته از روابط فئودالی و ضعف مفرط حکومت مرکزی در صیانت از استقلال کشور بود. تلفیق آموزش‌های حوزوی با گفتمان آزادی‌خواهی مشروطه، چارچوب فکری او را شکل داد؛ چارچوبی که در آن، دین‌نه‌به عنوان یک ابزار مجزا، بلکه به عنوان بخشی از هویت اجتماعی و مبارزاتی توده‌ها در برابر استبداد و استعمار معنا می‌شد (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۶).

میرزا کوچک خان به عنوان یک سوژه مذهبی-سیاسی در جریان برپایی جنبش جنگل با بهره‌گیری از پایگاه سنتی حوزه و در عین حال آشنایی با گفتمان مدرن مشروطه تلاش کرد تا عاملیت سیاسی خود را بر پایه سازماندهی نیروهای اجتماعی (دهقانان و پیشه‌وران) سامان دهد. بنا بر این، تکوین شخصیت او را نباید از طریق ویژگی‌های شخصی صرف تبیین کرد، بلکه این روند بازتابی از تلاقی نهاد دین با ضرورت‌های مقاومت ملی در برابر مداخلات روس و انگلیس بود (لولویی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳-۴).

عناصر و دال‌های هویتی و تکوین عاملیت اسلام‌گرایی میرزا کوچک خان

میرزا کوچک خان از همان سال‌های جوانی دارای شخصیتی مذهبی و مؤید به اصول اخلاقی بود. در این مرحله، دال‌های هویتی و گفتمانی او بر محورهای اساسی زیر استوار گشت که شیرازه عاملیت سیاسی‌اش را تشکیل دادند:

- دال عدالت‌خواهی و دین‌باوری: عدالت برای میرزا مفهومی انتزاعی نبود. او به عنوان یک سوژه دینی در انجام واجبات و دفاع از مظلومان کوشا بود و هرگاه بی‌عدالتی را در محیط مدرسه یا اجتماع مشاهده می‌کرد، با آن مقابله می‌نمود (فخرایی، ۱۳۵۴: ۳۶). این عنصر، دین را به عنوان پشتوانه مبارزه با بی‌عدالتی‌های ساختاری بازتعریف می‌کرد.

- دال وطن‌دوستی در پیوند با نهاد حوزه: در تاریخ ایران هر گاه عزت مذهبی مردم توسط استبداد و استعمار تهدید می‌شد، عالمان آگاه به عنوان رهبران گفتمانی عمل می‌کردند. میرزا از آغاز تا سرانجام کار، از هیئت طلبگی خود جدا نشد و ویژگی‌هایی چون آزادمنشی و قدرت استدلال را به عنوان ستون‌های رهبری حفظ کرد (رضوی، ۱۳۸۱: ۱۰۹-۱۰۷). پیوند میان شریعت و وطن‌دوستی، هسته مرکزی گفتمان او را در رویارویی با بیگانگان تشکیل می‌داد.

فاز نخست نهضت جنگل: ظهور دال مرکزی استقلال در سایه شریعت و تکوین

زنجیره هم‌ارزی

با اوج‌گیری نهضت مشروطه در تهران، تعدادی از آزادی‌خواهان رشت کانونی به نام مجلس اتحاد تشکیل دادند که میرزا کوچک خان نیز به این کانون پیوست. در سال ۱۲۹۳ ش. میرزا با تجربه‌ای که از فعالیت‌های پیشین اندوخته بود، هیئت اتحاد اسلام را پایه‌ریزی کرد و رهبری این کمیته را برعهده گرفت. در این دوران فقر، بیکاری و ناامنی‌های ناشی از مداخلات بیگانگان به‌ویژه هجوم روسیه تزاری در نواحی شمالی سایه افکنده بود. تحلیل شرایط آن دوران نشان می‌دهد که جنگلی‌ها بر این باور بودند که هر ایرانی مسلمان وظیفه‌ای شرعی و ملی بر گردن دارد تا در راه آزادی مجاهدت کند (هادی‌پور برزگر، ۱۳۸۹: ۱۴). هیأت اتحاد اسلام با تلفیق مشروعیت سنتی علما و سازوکارهای حکمرانی در پی ایجاد یک زنجیره هم‌ارزی میان شریعت و اقتدار سیاسی بود. این سازماندهی، تلاشی هژمونیک

برای پایداری عاملیت نهضت در تقابل با استبداد و نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی از بستر دین محسوب می‌شود.

در سطح تحلیل گفتمانی، گسترش پایگاه اجتماعی فراتر از مرزهای جغرافیایی گیلان (که نمونه بارز آن حمایت و سازماندهی آوارگان و مهاجران همدانی توسط هیأت اتحاد اسلام است) را باید در راستای شکل‌گیری یک زنجیره هم‌ارزی میان مطالبات پراکنده و ضد استعماری توده‌ها درک کرد (مؤمن، ۱۳۸۷: ۱۰۵-۱۰۱). در این فرایند، گفتمان اسلام‌گرایی میرزا کوچک خان و یارانش توانست با برجسته‌سازی دال‌های مرکزی چون «استعمارستیزی»، «عدالت اجتماعی» و «دفاع از مستمندان»، هویت‌های مختلف منطقه‌ای و طبقاتی را در برابر تهدیدات بیرونی (اشغالگران خارجی) و استبداد داخلی، هم‌ارز و هم‌سنگ سازد. اقدامات بشردوستانه آنان، تنها کارکردی خیرخواهانه نداشت، بلکه ابزاری هژمونیک بود که به واسطه آن، مرزهای گفتمانی گسترش یافته و عاملیت سیاسی توده‌ها در قالب یک اراده جمعی فرامحلی بازتعریف شد.

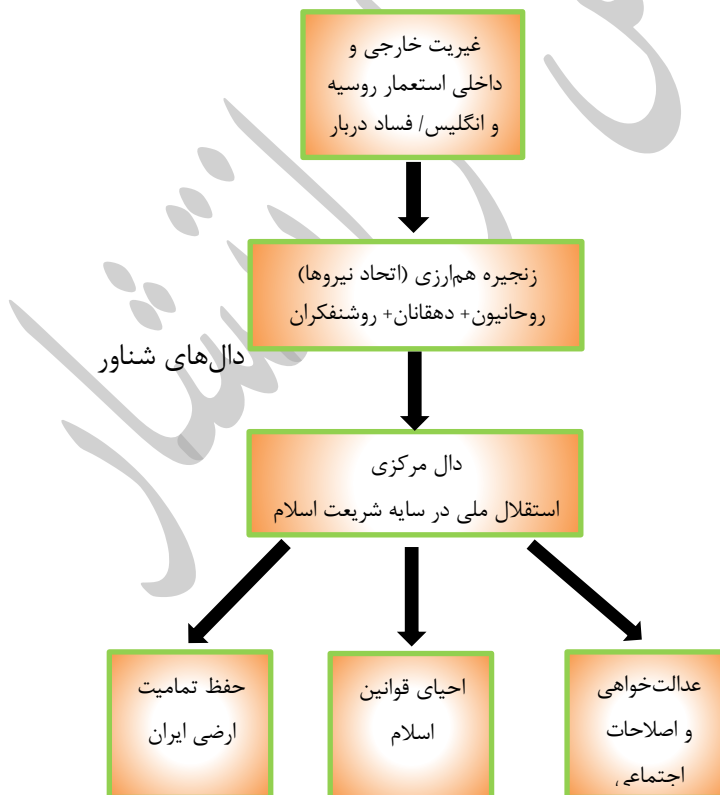
یکی از ویژگی‌های مهم در تحلیل گفتمانی نهضت جنگل، چگونگی شکل‌گیری زنجیره هم‌ارزی و جذب اقشار گوناگون در جبهه مقاومت است. برخلاف تصور رایج از بسترهای کاملاً سنتی آن دوران، اسناد و روایات درون‌گفتمانی نشان می‌دهند که گفتمان نهضت توانسته بود عاملیت زنان را نیز در عرصه مبارزه و پشتیبانی به رسمیت بشناسد. چنانکه احمد کسمایی در خاطرات خود به صراحت به حضور و نقش‌آفرینی زنان در صحنه‌های مختلف نهضت اشاره می‌کند (کسمایی، ۱۳۷۴: ۷۵-۷۳). از منظر تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، این پدیده گویای انعطاف‌پذیری گفتمان اسلام‌گرایی جنگل در بازتعریف مرزهای خود و پیوند دادن عاملیت‌های جدید به زنجیره هم‌ارزی ضد استعماری است؛ امری که به گفتمان نهضت عمق بخشید.

میرزا کوچک خان تأکید داشت که افراد هم‌فکر باید در قالب یک تشکیلات منسجم متحد شوند تا با فعالیت‌های مجاهدانه، به تأمین مصالح اجتماعی نائل آیند. این اندیشه بر بنیان‌هایی چون اعتماد، صداقت و ایثار استوار بود. مرام‌نامه و اهداف جنبش صراحتاً این رویکرد را بازمی‌تاباند: «ما قبل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم؛ استقلالی به تمام معنی کلمه، یعنی بدون لندک مداخله هیچ دولت اجنبی...» (فخرایی، ۱۳۵۴: ۵۲-۵۱). از منظر تحلیل گفتمان پساساختارگرا در این فاز نخست، منظومه فکری شکل‌گرفته حول کمیته اتحاد اسلام، ساختاری منسجم و مذهبی-ملی داشت که در آن، دال مرکزی گفتمان

میرزا بر محور «استقلال ملی در سایه شریعت اسلام» استوار گشت. در این منظومه، دال‌های شناوری همچون «اصلاحات اجتماعی»، «احیای قوانین اسلام»، «حفظ تمامیت ارضی» و «عدالت‌خواهی» حول این دال مرکزی مفصل‌بندی شدند.

همچنین، در این مقطع غیریت‌سازی جنبش به وضوح تعریف شده بود؛ اشغالگران تزاری و انگلیسی به عنوان «غیریت‌های خارجی» و حکومت فاسد مرکزی به عنوان «غیریت داخلی» طرد می‌شدند. بررسی این دوره نشان می‌دهد که مذهب در اینجا نه یک ابزار، بلکه جوهره اصلی مبارزه عمل کرد و توانست یک زنجیره هم‌ارزی میان طبقات مختلف مردم (روحانیون، دهقانان و روشنفکران) ایجاد کند (آوریده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹-۱۷).

شکل ۱: مدل منظومه گفتمانی جنبش در دوره نخست (ترسیم از نگارنده)



گسست اول: قرارداد ۱۲۹۷ش. بحران معنا و بازآرایی زنجیره‌های هم‌ارزی

در سال ۱۲۹۷ش. کمیته اتحاد اسلام با بحرانی ساختاری و بنیادین مواجه شد. در این مقطع، هم‌افزایی نظامی قوای پیچراخوف^۱ روسی و ژنرال دانستر ویل^۲ انگلیسی، ژئوپلیتیک شمال ایران را به نقطه بحران رساند. فشار همه‌جانبه نظامی و تنگناهای خفه‌کننده سیاسی به امضای قراردادی میان نمایندگان اتحاد اسلام و دولت انگلیس در رشت (۲۷ مرداد ۱۲۹۷) انجامید. از منظر تاریخ‌نگاری سنتی، این یک رویداد سیاسی است؛ اما از منظر تحلیل گفتمان پساساختارگرا، این قرارداد نقطه‌عطف یک گسست بزرگ و بحران معنا در درون گفتمان نهضت جنگل بود.

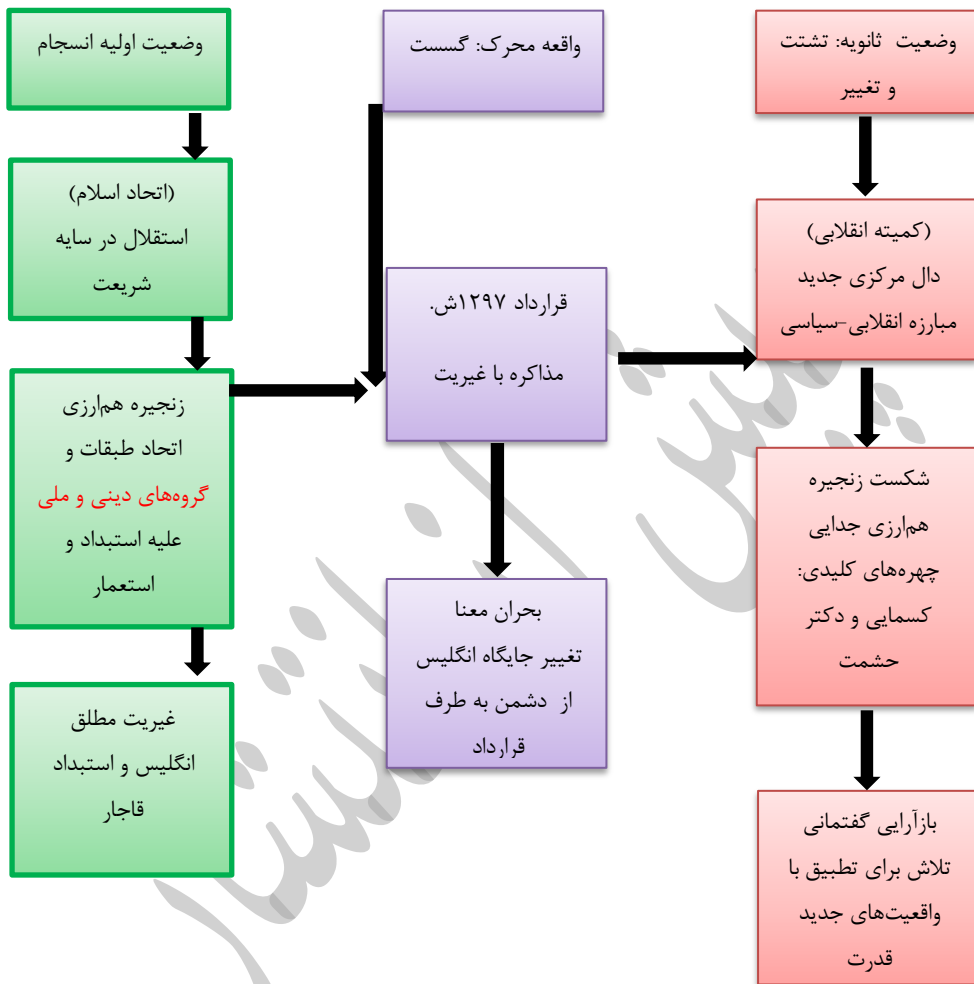
بر اساس نظریه لاکلا و موفه، هر گفتمان برای بقاء نیازمند ترسیم مرزهای دقیق میان «خود» و «دیگری» (غیریت) است. تا پیش از این قرارداد، دال مرکزی گفتمان نهضت یعنی «استقلال در سایه شریعت» بر پایه «ضدیت مطلق و سازش‌ناپذیر با استعمار انگلیس» استوار شده بود. ورود بریتانیا به عنوان یک طرف مذاکره و توافق با کمیته، این مرزهای گفتمانی را مخدوش کرد. وقتی غیریت مطلق به میز مذاکره دعوت می‌شود، زنجیره هم‌ارزی در درون گفتمان دچار فروپاشی می‌شود، چرا که برای بدنه سنتی و مذهبی نهضت، دیگر مرز میان دوست و دشمن کاملاً مبهم و سیال شده بود. این امر به اضمحلال گسیختگی درونی و از دست رفتن وحدت رویه انجامید (هادی‌پور برزگر، ۱۳۸۹: ۱۴).

انعقاد قرارداد ۱۲۹۷ش. و فشارهای همه‌جانبه، انسجام کمیته اتحاد اسلام را دچار تزلزل کرد. احمد کسمایی از ارکان اصلی نهضت در خاطرات خود به این فضای مسموم و تناقضات اشاره می‌کند؛ امری که در نهایت به انشقاق در سطح رهبری و جدایی چهره‌هایی چون خود او و دکتر حشمت انجامید (پناهی، ۱۴۰۰: ۲۱-۱۸، لطیفی، ۱۳۸۱: ۳۶۷-۳۶۳). در این وضعیت بحرانی، میرزا کوچک خان با انحلال هیئت اتحاد اسلام، ناچار به بازآرایی گفتمانی شد. تحلیل این روند نشان می‌دهد که میرزا به عنوان عاملیت آگاه جنبش دریافت که گفتمان پیشین دیگر توان پوشش‌دهی مطالبات جدید را ندارد. از این رو، وی با تضعیف تدریجی دال‌های مذهبی سنتی و چرخش به سمت دال‌های رادیکال‌تر سیاسی کوشید تا گفتمان نهضت را از یک قالب محلی مذهبی-شورایی به یک گفتمان مقاومت انقلابی تبدیل کند. این جابجایی دال‌ها تلاشی بود برای حفظ عاملیت جنبش در برابر ساختار سرکوبگر استعمار، هر چند که خود این تغییر پارادایم، زمینه‌ساز تناقضات جدیدی در فازهای بعدی حیات نهضت گردید.

^۱. Colonel Lazar Bicherakhov

^۲. General Lionel Dunsterville

نمودار ۲: مدل فرآیندی واسانی و بازآرایی گفتمانی در پی قرارداد ۱۲۹۷ش. (ترسیم از نگارنده)



گسست دوم: تقابل گفتمان‌ها و جابجایی غیریت و فروپاشی زنجیره هم‌ارزی در فاز پایانی نهضت

تقابل میان گفتمان چپ رادیکال بلشویکی و گفتمان سنت‌گرای مذهبی، بنیادین‌ترین بحران نهضت جنگل را رقم زد. پیوند عمیق میان مالکیت و باورهای دینی در جامعه، هر گونه اصلاحات ارضی رادیکال را به عنوان تهدیدی علیه هویت مذهبی توده‌ها بازنمایی کرد. این تناقض ساختاری، میرزا کوچک خان را میان مطالبات متحدان روس و حفاظت از پایگاه

اجتماعی سنتی‌اش در بن‌بست عاملیت قرار داد (پوریانژاد، ۱۳۹۱: ۹). با ورود ارتش سرخ به انزلی (۱۲۹۹ش)، نهضت جنگل از یک پروژه هژمونیک ملی به یک میدان کشمکش گفتمانی تغییر ماهیت داد. در این مقطع، میرزا کوچک خان با تکیه بر دال مرکزی «استقلال در سایه شریعت» تلاش کرد تا با مفصل‌بندی مجدد، بلشویسم را در زنجیره هم‌ارزی خود جای دهد. اما آنچه رخ داد، نه یک ائتلاف استراتژیک، بلکه یک گسست گفتمانی بنیادین بود (رحیمی و مرادی، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۳).

از طرفی ورود حیدر خان عمو اوغلی به گیلان در اردیبهشت ۱۳۰۰ و تشکیل کمیته انقلابی جدید، عاملی دیگر در آشکار شدن گسست‌های درون‌گفتمانی نهضت جنگل بود. ائتلاف میان رهبران نهضت به دلیل تعارض بنیادین در جهان‌بینی و اهداف آنها، از اساس ناپایدار و شکننده نمود. این وضعیت از منظر تحلیل گفتمان، بازنمای برخورد میان دو زنجیره هم‌ارزی متضاد در درون یک بلوک واحد بود: از یک سو، میرزا کوچک خان با پایبندی به گفتمان اسلام‌گرایی سنتی، مشروطه‌خواهی و حفظ مالکیت خصوصی و از سوی دیگر، حیدر خان با نمایندگی از گفتمان سوسیال‌دموکراسی رادیکال و تلاش برای تبلیغ توده‌ای (با وجود تعدیل مواضع رسمی حزب کمونیست در باب اجتناب از اشتراکی‌سازی فوری اراضی). این تعارض در کنار عدم انسجام جریان‌ات فرصت‌طلب (همچون خالو قربان و خالو کریم) و اقدامات خودسرانه (مانند یورش احسان‌الله خان به تهران)، به تجزیه جغرافیایی گیلان به چهار قلمرو مجزا و شکل‌گیری جنگ پنهان درون‌گروهی انجامید؛ بحرانی که هژمونی گفتمان واحد نهضت را از درون فروپاشید و زمینه را برای انحلال آن فراهم کرد (آقازاده، ۱۳۹۳: ۷-۵).

تحلیل این مرحله نشان می‌دهد که مفهوم «جمهوری» به یک دال شناور تبدیل شد که بر سر معنای آن نزاعی هستی‌شناختی شکل گرفت. برای میرزا، «جمهوری» مفهومی از عاملیت دینی و حاکمیت مردمی مبتنی بر عدالت اسلامی بود، اما برای جناح چپ و کارگزاران بلشویک، این دال تنها در دال ماتریالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا معنا می‌یافت. در واقع، ما با دو جهان‌بینی غیرقابل جمع مواجهیم که تلاش برای مفصل‌بندی آنها در منطق گفتمانی، از ابتدا محکوم به شکست بود. تنش اصلی زمانی به اوج رسید که با ورود عناصر رادیکال، غیریت‌سازی از سطح دشمن خارجی استعمارگر به سطح دشمن درونی تغییر مکان داد. ترویج دال‌هایی نظیر لغو مالکیت و ستیز با شعائر دینی، نه تنها مرزهای هویتی نهضت را مخدوش کرد، بلکه غیریت را به درون ساختار خود گفتمان هدایت کرد. در نظریه لاکلا و

موفه، هر گاه «دیگری» به جای آنکه در بیرون تعریف شود، در درون زنجیره هم‌ارزی رخنه کند، هژمونی با بحران انسجام مواجه شده و فرو می‌پاشد.

زمستان ۱۳۰۰ ش. نقطه اوج انزوای مطلق و ازهم‌پاشیدگی زنجیره هم‌ارزی نهضت جنگل است. میرزا کوچک خان پس از انشقاق‌های درونی (مثل بحران حیدر خان)، از دست رفتن پایگاه‌های توده‌ای و خیانت برخی خوانین محلی، در ارتفاعات تالش (کوه الماس) در محاصره هم‌زمان قوای دولتی و طوفان سهمگین برف و سرما قرار گرفت. از منظر تحلیل گفتمان، این لحظه نشان‌دهنده ناتوانی دال مرکزی در بازتولید هژمونی است. وقتی ائتلاف‌های سنتی و مدرن فرو می‌پاشند و اعتماد عمومی از بین می‌رود، رهبر یک گفتمان در تنهایی مطلق قرار می‌گیرد (افشاری، ۱۳۴۸: ۲۵۰-۲۴۶). فروپاشی نهایی نهضت جنگل را نباید صرفاً یک شکست نظامی یا سیاسی ساده دانست؛ این واقعه، خروجی اجتناب‌ناپذیر «آنتاگونیسم» درون‌متنی^۱ بود. وقتی مفصل‌بندی میان ایمان و ماتریالیسم به بن‌بست رسید، زنجیره هم‌ارزی که پیش‌تر نیروهای پراکنده را حول محور استقلال جمع کرده بود، از هم گسست. در نتیجه، گفتمان نهضت دچار تشقت معنایی شد و با خروج شوروی و کودتای جناح چپ، این پیکره گفتمانی که دیگر فاقد دال مرکزی منسجم بود، به فروپاشی کامل تن داد.

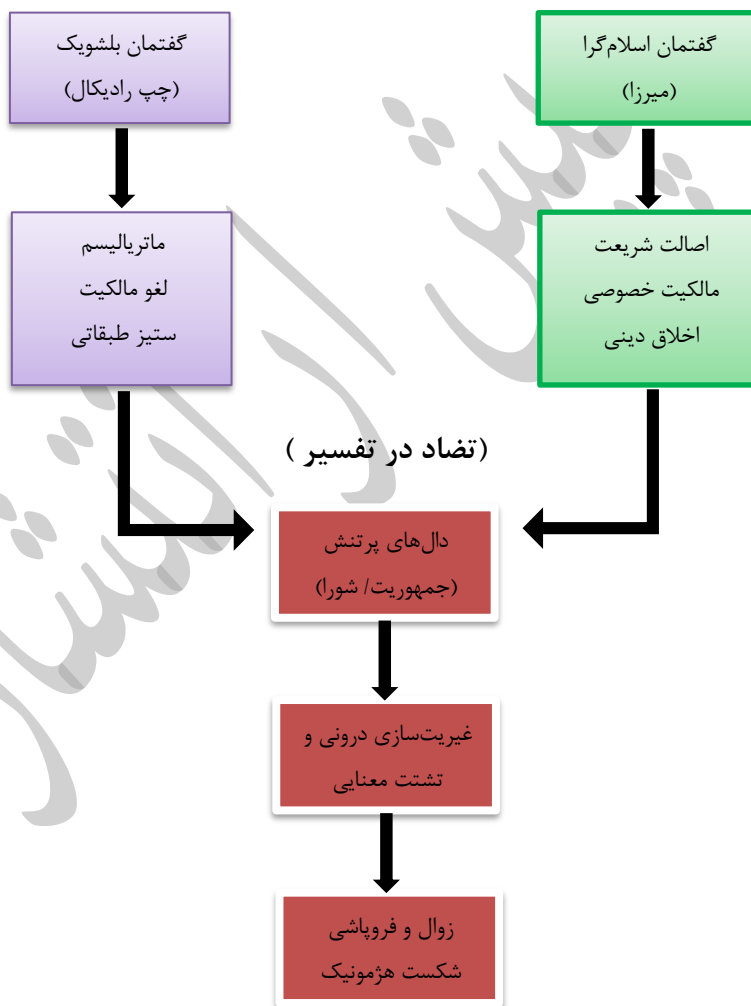
مش‌ی سیاسی و اهداف حقوقی و اجتماعی نهضت جنگل

برای درک بهتر دال‌های مفصل‌بندی‌شده در مرامنامه نهضت جنگل، بررسی اهداف نهایی جنگلی‌ها ضروری است. بر اساس مستندات تاریخی (فخرایی، ۱۳۵۴: ۵۸-۵۵)، رؤس مش‌ی سیاسی آنها عبارت بود از: برابری جنسیتی؛ تساوی زن و مرد در حقوق مدنی و اجتماعی (خومحمدی، ۱۳۸۱: ۳۳۸، میرزائزاد موحد، ۱۳۹۵: ۵۶۶)، دموکراسی مستقیم؛ انتخابات باید مستقیم، آزاد و مساوی باشد، عدالت اقتصادی؛ عمومی بودن منابع ثروت از جمله خالصات، رودخانه‌ها، مراتع و جنگل‌ها، حق آموزش؛ تعلیمات ابتدایی برای کلیه اطفال، مجانی و اجباری (میرزائزاد موحد، ۱۳۹۵: ۳۶۸ و ۵۱)، اصلاحات قضایی (قضاوت عادلانه) (میرزائزاد موحد، ۱۳۹۵: ۵۳۴)، ممنوع بودن استعمال الکل و نوشابه (کسمایی، ۱۳۷۴: ۶۲) آموزش دفاعی؛ اجباری بودن ورزش و مشق نظامی در مدارس، حمایت از کودکان؛ ممنوعیت کار و مزدوری برای کودکان زیر ۱۴ سال، تعهد نمادین؛ جنگلی‌ها مصمم بودند تا زمان اخراج کامل بیگانگان به آراستن ظاهر (سر و صورت) نپردازند که نشان‌دهنده پیوند هویت فردی با

۱. ستیز بنیادین

آرمان‌های سیاسی بود. مجموعه این اهداف و مطالبات پیشرو، نشان‌دهنده تنوع و وسعت آرمان‌های نهضت جنگل است که فراتر از یک جنبش صرفاً سنتی عمل می‌کرده و تلاش داشته است تا از طریق این مفصل‌بندی‌ها، دال‌های مرکزی گفتمان خود را در میان توده‌های مختلف اجتماعی تثبیت کند

نمودار ۳: مدل تقابل نظام‌های معنایی و فروپاشی ائتلاف در دوره دوم نهضت جنگل



نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی پارادوکس میان ایمان مذهبی و ضرورت‌های سیاسی در نهضت جنگل بر مبنای نظریه گفتمان پساساختارگرا انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نهضت جنگل را نباید یک واحد منسجم و ایستا پنداشت، بلکه این نهضت عرصه‌ای از منازعات گفتمانی سیال بود که تحت‌تأثیر واسانی ناشی از حضور بلشویک‌ها، دچار فروپاشی هویتی گردید. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش می‌توان گفت که گفتمان اسلام‌گرایی نهضت جنگل در مواجهه با چالش‌های عمل‌گرایانه ائتلاف با نیروهای چپ از یک انسجام مفصل‌بندی‌شده به سمت تشتت معنایی حرکت کرد. در دوره نخست، میرزا موفق شد با دال مرکزی استقلال در سایه شریعت، زنجیره‌ای از هم‌ارزی میان مشروطه‌خواهان، مذهبیون و عدالت‌خواهان محلی ایجاد کند. در این مقطع، دین نه تنها مانع سیاست نبود، بلکه به عنوان بازوی مشروعیت‌بخش، غیریت (استعمار و استبداد) را به درستی در بیرون از جبهه خودی بازتعریف می‌کرد. اما پارادوکس اصلی از لحظه ائتلاف با ارتش سرخ آغاز شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، میرزا تلاش کرد که دال‌های شناوری مانند «جمهوریت» و «حکومت شورایی» را با آموزه‌های اسلامی مفصل‌بندی کند. اما تضاد مبنایی میان ماتریالیسم بلشویک‌ها و خدامحوری میرزا، مانع از تثبیت هژمونی این گفتمان شد. در واقع، ورود دال‌های چپ رادیکال نظیر لغو مالکیت و ضدیت با شعائر دینی، مرزهای غیریت‌سازی را از دشمن خارجی به دشمن داخلی منسجم کرد. اینجاست که پارادوکس ایمان و سیاست تجلی می‌یابد؛ میرزا کوچک خان میان دو ضرورت حفظ اصول ایمانی و مصلحت‌گرایی سیاسی برای بقای نظامی در برابر بریتانیا گرفتار شد.

تحلیل این تقابل نشان می‌دهد که زوال نهضت جنگل پیش از آنکه ناشی از شکست نظامی باشد، محصول یک شکست گفتمانی بود. ناتوانی در حل تضاد میان آرمان‌های فرادینی و باورهای سنتی جامعه گیلان منجر به ایجاد گسست درونی شد. این تضاد فکری عملاً انسجام تشکیلاتی را از بین برد و منجر به جدایی بدنه مردمی از رهبری نهضت گردید. بر این اساس باید گفت که تجربه نهضت جنگل نشان‌دهنده چالش همیشگی جنبش‌های مذهبی- ملی در ایران است؛ چالشی بنیادین که ریشه در ناتوانی آنها در حفظ مرزهای هویتی خود هنگام همگامی با جریان‌های فکری ناسازگار دارد. شکست میرزا در حل این پارادوکس نشان داد که اگر یک جنبش نتواند دال‌های وارداتی را در نظام معنایی خود هضم یا ایرانی- اسلامی کند، دچار بحران مشروعیت شده و در برابر قدرت‌های رقیب آسیب‌پذیر می‌شود. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که در مطالعات آتی، تأثیر این شکست گفتمانی بر

شکل‌گیری ناسیونالیسم اقتدارگرای پهلوی که به عنوان جایگزینی برای هرج و مرج گفتمانی آن دوران ظهور کرد، مورد واکاوی قرار گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها و مقاله‌ها:

- احمدی، مجتبی، "قبله و قبیله میرزا"، *مجله حوزه*، ۱۳۸۱، سال ۱۹، شماره ۳، صص. ۲۰-۴.
- اسماعیل‌زاده، اعظم و علیرضا علی‌صوفی، "جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه"، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، ۱۳۹۵، سال ۵، شماره ۱، صص. ۲۱۸-۲۰۵.
- استوار، مجید و زهرا ملکی‌آدرانی، "تأثیر روسیه در کنشگری سیاسی ایرانیان (مطالعه موردی: نهضت تنباکو و جنبش جنگل)"، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، ۱۴۰۴، سال ۲۶، شماره ۱۰۳، صص. ۷۷-۹۴.
- آقازاده، جعفر، "جنبش دهقلان ماکو در انقلاب مشروطه: علل و پیامدها"، *دو فصلنامه تاریخ ایران*، ۱۴۰۱، سال ۱۵، شماره ۲، صص. ۲۲۱-۲۰۱.
- آقازاده، جعفر، "نقش حیدرخان عموآوغلی در نهضت جنگل"، *دو فصلنامه جستارهای تاریخی*، ۱۳۹۳، سال ۵، شماره ۱، صص. ۱-۱۶.
- آوریده، سولماز، حمید عباداللهی، حسین آقاجانی و محمدصادق فرید، "خاطره میرزا: میرزا کوچک خان جنگلی در حافظه جمعی گیلانیان"، *دو فصلنامه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱۳۹۷، سال ۸، شماره ۲، صص. ۵۱-۳۱.
- باغدار دلگشا، علی، "نهضت جنگل و ایده شکل‌گیری حکمرانی اسلامی"، *فصلنامه مطالعات علوم انسانی و اسلامی*، ۱۴۰۴، سال ۱، شماره ۱، صص. ۱۲۱-۹۳.
- باغستانی، محمد، "پاسخ به یک پرسش در باره میرزا کوچک خان"، *مجله حوزه*، ۱۳۸۱، سال ۱۹، شماره ۳، صص. ۴۹-۲۱.
- بحرالعلوم قزوینی، سید محمد، ۱۴۰۱، *تاریخچه میرزا کوچک خان؛ روایتی نو و متفاوت از قیام جنگل*، به کوشش: مهدی نورمحمدی، تهران: نامک.
- پناهی، عباس، "تأثیر انگلستان بر رویکردهای نظامی، فکری و سیاسی جنبش جنگل"، *دو فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۴۰۰، سال ۱۵، شماره ۲۹، صص. ۱۶۰-۱۳۱.
- ، "تحلیل و نقد رویکردهای ملی‌گرایی و تجزیه‌طلبی در نهضت جنگل"، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۴۰۱، سال ۲۳، شماره ۹۱، صص. ۱۶۹-۱۵۱.
- پناهی، عباس و امیر مهرنیا، "جنبش جنگل در پرتو کشمکش قدرت‌های بزرگ"، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۳۹۶، سال ۷، شماره ۲۴، صص. ۲۳۶-۲۱۵.
- پوریانژاد، فرهاد، "در کنار بلشویک‌ها یا برکنار از آنها: بیلان رویدادی از تضاد نظریه و عمل در جمهوری شورایی گیلان"، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*، ۱۳۹۱، سال ۲۲، شماره ۱۳، صص. ۲۱-۱.

- تهرانی افشاری، حسن، ۱۳۴۸، *میرزا کوچک خان*، تهران: افشاری.
- خومحمدی، سعید، "سیری در نهضت جنگل"، *مجله حوزه*، ۱۳۸۱، سال ۱۹، شماره ۴، صص. ۳۵۶-۳۲۶.
- رجبی، علی اصغر و علیرضا اکبری، "بازتاب اقدامات نظامی و دیپلماتیک روسیه در ایران از منظر روزنامه جنگل"، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، ۱۴۰۴، سال ۲۶، شماره ۱۰۲، صص. ۹۲-۷۱.
- رحیمی، نوید و شاهمراد مرادی، ۱۳۹۷، *زندگی نامه میرزا کوچک خان جنگلی در یک نگاه*، تهران: فرزانهان دانشگاه.
- رضوی، سید عباس، "میرزا نماد حوزه شیعه"، *مجله حوزه*، ۱۳۸۱، سال ۱۹، شماره ۳، صص. ۱۸۵-۱۰۶.
- رمضانی نژاد، بهنام و هادی میرزانژاد موحد، ۱۳۹۵، *روزنامه جنگل*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- رواسانی، شاپور، ۱۳۸۴، *اولین جمهوری شورائی در ایران (نهضت جنگل)*، چاپ سوم، تهران: چاپخش.
- شاکری، خسرو، ۱۴۰۲، *میلاد زخم*، چاپ سوم، تهران: اختران.
- شعاعیان، مصطفی، ۱۳۴۹، *نگاهی به روابط شوروی و نهضت انقلابی جنگل*، تهران: مزدک.
- فخرایی، ابراهیم، ۱۳۵۴، *سردار جنگل*، چاپ پنجم، تهران: جاویدان.
- قرشی، مجتبی، علی اکبر امینی و حسین شریعتی، "تحلیل ژئوپلیتیک نهضت مقاومت جنگل و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران"، *فصلنامه مطالعات سیاسی- اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران*، ۱۴۰۳، سال ۳، شماره ۲، صص. ۱-۱۸.
- کسرای، محمدسالار و علی پوزش شیرازی، "نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی"، *فصلنامه سیاست*، ۱۳۸۸، سال ۳۹، شماره ۳، صص. ۳۶۰-۳۳۹.
- کسمایی، احمد، ۱۳۷۴، *خاطرات احمد کسمایی*، تهران: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- کلانتری، کامبیز، جواد سخا، مسعود محمدی و رفعت خواجه یار، "کسبست جنگل و بلشویک ها: تقابل ایدئولوژی و عملگرایی"، *فصلنامه سیاست در آینه تاریخ*، ۱۴۰۴، سال ۲، شماره ۲، صص. ۸۱-۶۸.
- لاکلا، ارنستو، شنتال موفه و نورمن فرکلاف، ۱۳۹۶، *تحلیل گفتمان سیاسی*، ترجمه: امیر رضایی پناه، تهران: تیسرا.
- لطیفی، حسین، "آسیب شناسی نهضت جنگل"، *مجله حوزه*، ۱۳۸۱، سال ۱۹، شماره ۴، صص. ۳۷۶-۳۵۷.
- لولویی، کیوان، امیر تیمور رفیعی و حامد کاشی زاده، "حوزه تا جنگل مروری بر زندگی میرزا کوچک خان جنگلی در عصر مشروطه"، *فصلنامه تاریخ*، ۱۳۸۹، سال ۳، شماره ۱۷، صص. ۹۹-۱۰۹.
- متولی، عبدالله، "رویکردها و نگرش های اساسی در روزنامه جنگل"، *دوفصلنامه جستارهای تاریخی*، ۱۳۹۰، سال ۲، شماره ۲، صص. ۹۵-۱۱۵.
- مؤمن، ابوالفتح، "ویژمنامه ایران و استعمار بریتانیا: حمایت دموکرات های همدان از نهضت جنگل"، *فصلنامه مطالعات تاریخی*، ۱۳۸۷، سال ۶، شماره ۲۲، صص. ۹۸-۱۱۳.
- نعیمی، عباس و زاهد غفاری هشجین، "تبیین نظام حکومتی در بینش سیاسی میرزا کوچک خان جنگلی"، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*، ۱۳۹۲، سال ۴، شماره ۶، صص. ۱۳۱-۱۱۱.
- هادی پور برزگر، فرحناز، ۱۳۸۹، *سه سردار بزرگ ایران (ستارخان- باقرخان- میرزا کوچک خان جنگلی)*، تهران: پل.
- یقیکیان، گریگور، ۱۳۶۳، *شوروی و جنبش جنگل*، به کوشش: برزویه دهگان، تهران: نوین.